

۱. در مقدمه قصص قرآن صدر بلاغی، چنین ماجزایی آمده است. (به نقل از پیش‌گفتار کتاب احسن القصص، سیدهاشم رسولی محلاتی)
۲. نگاه کنید به کتاب اندوه یعقوب، نوشته علی طهماسبی، (تهران: یادآور، ۱۳۸۰).

نگاهی به دو کتاب رولد دال، یک تیر و دو نشان

فرشته سلیمانی

آقای روباه شگفت‌انگیز. رولد دال. ترجمه محبوبه نجف‌خانی. تصویرگر: کوئنتین بلیک. تهران: نشر افق، ۱۳۸۸. ۱۴۴ ص. ۲۰۰۰۰ ریال.

غول بزرگ مهربان. رولد دال. ترجمه محبوبه نجف‌خانی. تصویرگر: کوئنتین بلیک. تهران: نشر افق، ۱۳۸۷. ۲۸۸ ص. ۳۵۰۰۰ ریال.

آقای رولد دال عزیز!

برای این که تن شما توی گور نلرزد، لازم دیدم قبل از هر چیز یادآوری کنم اگر من به طور همزمان به دو کتاب شما می‌پردازم، دلیلش این نیست که این دو اثر، طرح یکسانی دارند. من خوب می‌دانم که شما از نویسندگانی که بعد از موفقیت یک اثرشان، طرح آن را بارها و بارها در دیگر آثارشان تکرار می‌کنند، بیزارید. بنابراین نمی‌خواهم شما را از خودتان بیزار کنم! اما خُب، حتماً قبول دارید هوایی که خوانندگان در داستان‌های شما تنفس می‌کنند، همیشه همان رایحه و همان سرزندگی را با خود دارد. تصویرگر تان هم که اغلب کوئنتین بلیک بود. حالا وقتی مترجم و ناشر دو اثر شما، در کشوری دیگر مثل ایران هم یکی باشند، آن دو اثر به قول خودتان «جان می‌دهند» برای بررسی یکجا!

با این امید که در سطور بالا دلایل رضایت‌بخشی یافته باشید، با اجازه شما از حالا به بعد، رو به جمع می‌نویسم:

آقای روباه شگفت‌انگیز و غول بزرگ مهربان تنها کتاب‌های رولد دال نیستند که محبوبه نجف‌خانی ترجمه کرده و نشر افق آن‌ها را به چاپ رسانده است. از دیگر آثار دارای این مشخصه می‌توان به **داوری شگفت‌انگیز جورج، بدجنس‌ها** و... اشاره کرد.

در کتاب‌های رولد دال فقط آقای روباه، شگفت‌انگیز نیست؛ همه قهرمانان داستان‌های او به نوعی شگفت‌انگیز و خارق‌العاده‌اند. حتی قهرمان داستان پسر — داستانی که بر اساس زندگی واقعی خود اوست — نیز چنین ویژگی‌ای دارد.

باید بگویم سوفی، کودک قهرمان غول بزرگ مهربان، از آقای روباه هم شگفت‌انگیز تر است. اوست که جان بچه‌های هم‌سن و سال خودش را از دست غول‌های بی‌رحمی مثل «گوشت‌قلنبه کُن» و «خون

تو شیشه کُن» نجات می‌دهد و تازه، اوست که می‌فهمد غول‌ها با همه بی‌رحمی‌شان سزاوار کشته‌شدن به دست انسان‌ها نیستند و زندانی کردن‌شان کافی است. در واقع غ.ب.م (غول بزرگ مهربان) موفق شده به خوبی او را توجیه کند (البته او چون به مدرسه نرفته، ممکن است فهمیدن حرف‌هایش مشکل باشد!):

«وجودهای شرّ (بشر) همیشه به نفع خودشان قانون درست می‌کند. اما قانون آن‌ها به نفع بزه‌کچولوها نیست... غول‌ها هم برای خودشان قانون دارد اما قانون آن‌ها به نفع وجود شرّ (بشر) نیست. من راست می‌گویم یا چپ؟ (راست یا دروغ)»

البته به نظر نمی‌رسد که نویسنده فقط برای به رخ کشیدن بی‌سوادی غ.ب.م کلمات را از قول او این‌گونه نقل کرده باشد. با این که نمی‌دانم به کاربردن کلمه «شرّ» به جای «بشر» تا چه حد کار نویسنده و تا چه اندازه کار مترجم بوده، اما آن را مثال خوبی برای زیرکی در بیان مطلب می‌دانم. کما این که مترجم نیز در پانویشت اشاره‌ای به استفاده نویسنده از غلط‌های زبانی غول کرده است.

دیگر آن که از همین چند جمله کوتاه می‌توان متوجه شد که نویسنده درصدد است قضاوت به نفع خود را بدون در نظر گرفتن شرایط طرف مقابل — حتی اگر موجود وحشتناکی مثل یک غول باشد — نه تنها برای سوفی بلکه برای همه کودکانی که کتاب را می‌خوانند، ناپسند جلوه دهد. در واقع هدف اصلی دور کردن کودکان از بسنده کردن به تصورات رایج درباره یک موجود و حتی یک پدیده است.

نکته‌ای که آقای روباه شگفت‌انگیز به این مطالب می‌افزاید، این است که هر چیزی، اگرچه در یک نگاه کلی چندان خوب به نظر نیاید و حتی بد باشد، اگر در جای مناسب به کار گرفته شود می‌تواند از خوب هم خوب‌تر باشد! روباه مکار که همیشه برای قهرمانان داستان‌های گوناگون در دسر می‌سازد، حالا با استفاده از همان روحیه حيله‌گری، جان جانوران زیرزمین را نجات می‌دهد (خرگوش‌ها، گورکن‌ها و خزها).

قطعاً این که آدم بنشیند و پیام‌های داستان را استخراج کند و به خیالش با این کار به بررسی داستان بپردازد، خیالی خام بیش نیست؛ ولی در این جا مقصود از بیان اهداف داستان — که چندان پیچیده هم نیستند و کودکان به راحتی آن‌ها را در می‌یابند — نشان دادن جلوه‌ای از تلاش نویسنده برای ارائه یک کار جدید و حتی از آن مهم‌تر یک دیدگاه جدید برای کودکان است؛ مسئله‌ای که ذهن تمام نویسندگان کودک را به خود مشغول کرده است.

مهم‌ترین چیزی که در همان صفحات اول کتاب، خواننده را به خود جذب می‌کند، زبان روان و صمیمی داستان‌هاست. برای نمونه، قسمتی از **غول بزرگ مهربان** را مرور می‌کنیم:

«سوفی از ترس می‌خکوب شده بود. عجیب آن که ملکه هم انگار می‌خکوب شده بود. آدم انتظار دارد که او حسابی تعجب کند. — همان‌طور که من و شما اگر صبح زود دختر کوچکی را روی لبه پنجره اتاقمان ببینیم، حسابی تعجب می‌کنیم — ولی انگار ملکه اصلاً تعجب نکرده بود...»

لطفاً با این شعرها ریتم نگیرید!

عباس تریون

چه کسی کلاغ را اختراع کرد؟ علی اصغر سیدآبادی.
تصویرگر: حسن عامه کن. تهران: نشر چشمه - کتاب
ونوشه، ۱۳۸۸. ۳۲ ص. ۴۰۰۰۰ ریال.

در روزگار ناخوشی شعر به سر می‌بریم. نه فقط شعر بزرگسال و جوان و نوجوان، که شعر کودک ما نیز در دایره‌ای تکراری و غیرخلاق، دلخوش به چرخ‌زدنی بی‌پوده است. امروز با سابقه‌ترین و موفق‌ترین شاعران کودک سال‌های گذشته‌مان از فرط فقر خیال و اندیشه و عاطفه، نشست‌اند و دغدغه‌های شاعرانه‌شان را از طریق ساختن نظم درباره‌ی اشیائی مثل سماور و قوری و تشت و آفتابه بیان می‌کنند. طفلک بچه‌های بی‌زبانی که قرار است سلیقه‌شان با این شعرها پرورش و ارتقاء بیابد!

در چنین روزگاری است که چه کسی کلاغ را اختراع کرد؟ کتابی جسورانه به حساب می‌آید. علی اصغر سیدآبادی در این کتاب کوشیده سفری به خارج از مرزهای غبارگرفته‌ی شعر کودک کند و با چشمی متفاوت به کودک امروز ایرانی بنگرد.

ویژگی‌های مشترکی در شعرهای چه کسی کلاغ را اختراع کرد؟ دیده می‌شود که معرف چارچوب کلی حرکت تازه‌ی سیدآبادی در شعر کودک است. در ادامه به بیان مهم‌ترین این ویژگی‌ها و بررسی کوتاه آن‌ها می‌پردازیم.

کنار گذاشتن موسیقی عروضی

اگرچه شورای کتاب کودک سال گذشته جایزه‌ی بهترین کتاب شعر کودک را به مجموعه‌ای خالی از وزن عروضی داد (بادکنک به شرط چاقو، سروده‌ی علی اصغر سیدآبادی) اما هنوز هم حذف وزن عروضی از شعر کودک، ناشدنی و حرکتی انتحاری (!) به نظر می‌رسد.

«بابا/ شاید همین حالا/ یکی در را بزند/ و بگوید/ پسرت/ سر پسر مرا/ شکسته/ خواهش می‌کنم/ تو باور نکن!...»
وزن عروضی به عنوان اولین و مهم‌ترین عنصر جذب‌کننده‌ی مخاطب در شعر کودک، دارای اهمیت خاصی است و این نه فقط به خاطر نقش این نوع موسیقی در خلق یک شعر موفق، که به جهت نقش پررنگ و انکارناپذیرش در جهان کودکی است. وزن عروضی، فارغ از لذتی که به گوش و ذهن مخاطب می‌بخشد، برای کودک حکم نوعی بازی را دارد. وزن عروضی از طریق تکرار منظم هجاهای، به ذهن کودک نظم می‌بخشد و او را با ریتم و هارمونی آشنا می‌کند. وزن عروضی این امکان را فراهم می‌آورد که کودک شعر را به راحتی به خاطر بسپارد و قادر به تکرار آن با زبان خود باشد.

کنار گذاشتن قالب‌های کلاسیک

در مجموع بسامد قافیه در چه کسی کلاغ... بسیار پایین است و در تکرار قافیه‌ها نظم خاصی مشاهده نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان



در آقای روباه شگفت‌انگیز هم این صمیمیت در گفت و گوهایی اعضای خانواده‌ی روباه مشهود است. وقتی که خانم و آقای روباه همدیگر را «عزیزدلم» صدا می‌زنند یا موقع بدرقه «منتظرت می‌مانم» و جملات عاشقانه تبار هم می‌کنند! همچنین است احترام بچه روباه‌ها به پدر.

اما راستش چیزی هست که کمی نگرانم می‌کند و آن خطر الگوبرداری کودکان از شخصیت‌های داستان است. این که کودک به ذهنش برسد که می‌تواند دوستانش را با ذکر عیب‌هایشان صدا بزند یا آن‌ها را مسخره کند. درست است که این جزو ویژگی‌های شخصیت‌های منفی داستان است، ولی در هر حال کودک ناسزاها و تمسخرها را می‌خواند و ممکن است تحت تأثیر آن‌ها به تقلید پرداز: کو توله‌ی کثیف کر مکو، ریفو، چلغوز چاقاله، پشکل و...

با این همه، انتشار منظم آثار رولد دال و ارائه‌ی یک ترجمه‌ی سر حوصله در جای خود موجب پدیدآمدن آثاری جذاب و خواندنی شده است. و در نهایت این که «آقای رولد دال، از شما متشکریم!»